



Jurisprudential and Legal Analysis of Crushing and Cracking of Spine Bone

Reza Poursedghi * | Seyyedeh Soraya Mousavi**

Received: 2023, Apr 10 | Received in revised form: 2023, Aug 17 | Accepted: 2023, Oct 7 | Published: 2023, Oct 23

Abstract

In penal law, the terms "crushing" and "cracking" of bones are distinct from fractures, carrying specific penalties. However, Article 647 of the Islamic Penal Code, which addresses rulings on spine damage, only mentions penalties for fractures, leaving ambiguity regarding whether it covers crushing or cracking. Surprisingly, this matter has not been addressed in Islamic jurisprudence either. The article aims to explore the issue by examining legal and jurisprudential evidence. Legal data reveals that the matter has not been addressed in legislation, falling within the realm of unlegislated cases. Consequently, determining the appropriate compensation (*Diyyah*) and retaliation (*Arsh*) for spinal crushing and cracking requires reference to jurisprudence. Analysis of jurisprudential evidence further indicates that there are no established penalties for crushing and cracking of the spine in the *hadiths* and *Shari'ah* sources. The evidence for a broken spine does not encompass crushing and cracking, while the evidence for bone crushing and cracking does not include the spine. Therefore, such damages fall under the purview of determining appropriate retaliation (*Arsh*).



Keywords: Spine, Crushing, Cracking, Diyyah, *Arsh*.

* Researcher at the Forensic Jurisprudence Studies Office and Member of the Usul Group at the Jurisprudence Center of the A'imah Athar (AS). (Corresponding Author) Email: rezapoursedghi@gmail.com.

** Student Researcher at al-Jame Alzahra (AS), Email: abuhashem133@gmail.com

▣ Poursedghi, R. & Mousavi, S.S. (2023) Jurisprudential and Legal Analysis of Crushing and Cracking of Spine Bone. *Journal of New Perspectives in Islamic Jurisprudence*, 1 (1) 162-184. Doi: <https://doi.org/10.22091/RCJL.2023.8913.1013>.



بررسی فقهی و حقوقی حکم خردشده‌گی و ترک خوردگی ستون فقرات

رضا پورصدقی* | سیده‌ثریا موسوی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۱ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۵/۲۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

چکیده

اصطلاح خردشده‌گی و ترک خوردگی استخوان در قانون مجازات، متمایز از شکستگی است و برای آن دیه مقدری در نظر گرفته شده است. از طرفی در بیان احکام آسیب ستون فقرات در ماده ۶۴۷ فقط به دیه شکستگی بسنده شده و این ابهام شکل گرفته که آیا موضوع این ماده، اعم از خردشده‌گی و ترک خوردگی است یا شامل آن نیست. به این مسأله در فقه نیز توجه نشده است. مقاله پیش رو، این موضوع را با بررسی ادله حقوقی و فقهی بررسی کرده است. داده‌های حقوقی نشان می‌دهد، به این مسأله در قانون توجه نشده و از مواردی است که نسبت به آن تقنین رخ نداده است؛ بنابراین برای تعیین دیه و ارزش خردشده‌گی و ترک خوردگی ستون فقرات باید به فقه مراجعه گردد. بررسی ادله فقهی مسأله نیز حاکی از این است که در روایات و ادله شرعی، دیه‌ای برای خردشده‌گی و ترک خوردگی ستون فقرات موجود نیست؛ زیرا ادله شکستگی ستون فقرات از خردشده‌گی و ترک خوردگی منصرف است و ادله خردشده‌گی و ترک خوردگی استخوان نیز شامل ستون فقرات نمی‌گردد؛ بنابراین چنین آسیبهایی موضوع تعیین ارزش است.



واژگان کلیدی: ستون فقرات، خردشده‌گی، ترک خوردگی، دیه، ارزش.

* پژوهشگر دفتر مطالعات فقهی پزشکی قانونی و عضو گروه اصول مرکز فقهی ائمه اطهار (ع). (نویسنده مسئول) | rezapoorsedghi@gmail.com
** دانش‌پژوه سطح سه جامعه الزهراء (س) | abuhashem133@gmail.com

پورصدقی، رضا؛ موسوی، سیده‌ثریا. (۱۴۰۲). بررسی فقهی و حقوقی حکم خردشده‌گی و ترک خوردگی ستون فقرات،

پژوهش‌های فقهی مسائل مستحدثه. ۱(۱)، ۱۸۴-۱۶۲. Doi: <https://doi.org/10.22091/RCJL.2023.8913.1013>

مقدمه

ستون فقرات، یکی از مهم‌ترین بخش‌های حیاتی بدن انسان است و تکیه‌گاه بدن، نخاع و عصب‌های نخاعی محسوب می‌شود و بسیاری از حرکات بدن بدان وابسته است. ستون فقرات از نظر آناتومیک، از انتهای جمجمه آغاز می‌شود و با آخرین مهره دنبالچه به پایان می‌رسد. این بنای محکم بدن، از استخوان مهره، دیسک، نخاع، عضلات، زردپی و عروق خونی تشکیل شده که به نواحی مختلف از جمله: گردنی، سینه‌ای، کمری، خاجی و دنبالچه‌ای تقسیم می‌شود. از آنجایی که ستون فقرات سطح گسترده‌ای از بدن را پوشش داده، در تصادفات و جنایات مختلف همواره در معرض آسیب شکستگی از جمله: خردشدگی، کوبیدگی و ترک خوردگی است که در اثر ضربه و یا آسیب شدید، عوارضی از قبیل کم شدن ارتفاع ستون فقرات، فلج شدن موقت یا دائم و تغییر شکل عضلات از قبیل قوز و خمیدگی در پی دارد.

خردشدگی و ترک خوردگی ستون فقرات اگرچه از صدمات شایع در تصادفات است، متنی روایی و فقهی موجود نیست که به بیان این نوع صدمات بپردازد. مقالاتی نیز که تاکنون درباره ستون فقرات نوشته شده، صرفاً ناظر به شکستگی است؛ از جمله: «تأملی در دیه صدمات وارده بر ستون فقرات» (صدیق و آخا، ۱۳۹۷ ش، ص ۲۴۹-۲۸۰) و «ضابطه دیه شکستگی استخوان» (ساریخانی، ۱۳۹۸، ص ۱۶۵-۱۸۶). در متون قانونی نیز تنها ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی، به برخی فرض صدمات ستون فقرات اشاره کرده؛ اما درباره خردشدگی و ترک خوردگی ستون فقرات بیانی ندارد و آنچه در مواد ۵۶۹ و ۵۷۰ نیز آمده، حکمی کلی مربوط به استخوان‌هاست.

تمایز اصطلاح خردشدگی و ترک خوردگی از شکستگی در ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی، این ابهام را به وجود آورده که ماده اختصاصی شکستگی ستون فقرات ناظر به غیر شکستگی نیست؛ بنابراین مسأله از منظر حقوقی با چالش روبه‌روست. با توجه به عوارض و پیامدهای متعددی که خردشدگی ستون فقرات و ترک خوردگی در پی دارد، متأسفانه صور و احکام مترتب بر آن به صورت مبهم و مسکوت مانده است؛ از جمله: در هیچ‌یک از مواد قانون مجازات اسلامی، به خردشدگی ستون فقرات آشکارا نپرداخته و روایات نیز فاقد

عبارت صریحی در این مسأله است و در فقه نیز درباره خردشدگی ستون فقرات و ترک خوردگی، بحث استدلالی و حتی اظهار نظر دقیق یافت نمی‌شود و تنها عبارت «فی رض الظهر الحکومه»؛ "در صدمه کوبیدگی پشت حکومت تعیین می‌شود"، از برخی از فقهای معاصر یافت شد (سبزواری، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۹، ص ۲۲۰). این نقایص بیانی و محتوایی، هم تدوین قانون و هم رسیدگی‌های قضایی و هم بررسی‌های پزشکی قانونی را با مشکل مواجه کرده و ضرورت تحقیق در این مسأله را بیش از پیش ساخته است.

این نوشتار از نوع پژوهش کاربردی است و به رفع مشکل فراوی جامعه می‌پردازد و با تحقیقی تحلیلی-انتقادی، ضمن تشریح و تبیین ادله، به واکاوی، تطبیق و اصلاح موضوع می‌پردازد و پس از مفهوم شناسی، با بررسی ادله فقهی و واکاوی قانون مجازات اسلامی، در صدد برطرف کردن ابهامات با تشریح صدمات ناشی از خردشدگی و ترک خوردگی ستون فقرات و دسته‌بندی دقیق آن، مقدار دیه و ارش را با توجه به فقه و قانون بررسی خواهد کرد و در انتها، پیشنهادهایی را برای اصلاح و تکمیل قانون موضوعه عرضه خواهد نمود.

۱. رض (خرد شدن)

واژه «رض» در لغت از ماده «رضض» به معنای کوبیدن شئ است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۸). برخی معنای «رض» را شکستن نیز بیان کرده‌اند (نک. ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۱۵۴). برخی نیز معنای "رضیض" را به معنای شکسته و خرد شده آورده‌اند (مهیار، ۱۴۱۰، ص ۴۳۴). در فرهنگ دهخدا، خرد شدن به معنای کوفته شدن، خسته شدن، از هم پاشیدن، ریز ریز کردن و به معنای پاره‌های کوچک شکستن آمده است (دهخدا، ۱۳۶۱، ج ۲۰، ص ۴۲۱)؛ به این ترتیب، خردشدگی و کوبیدگی، نوعی از شکستن است که عنوان خاصی در لغت دارد. در فقه تعریف مشخص و روشنی برای این واژه تعیین نشده و اصطلاحاً دارای حقیقت شرعی نیست و بر همان حقیقت عرفیه باقی است؛ بنابراین مفهوم شناسی این واژه و تطبیق آن طبق نظر عرف است. بررسی کاربردهای عرفی، نشان می‌دهد خردشدگی مترادف کوبیدگی نیست، به طوری که کوبیده شدن عضوی از اعضای بدن، مستلزم خرد شدن و حتی شکستن آن عضو نمی‌باشد (مجید جمشیدی، ۱۳۹۰، ص ۱۰)؛ اما ماده اخیر ۵۶۹ قانون مجازات

اسلامی، دیه خرد شدن و کوبیده شدن را یکی گرفته، در نتیجه این دو صدمه، دیه یکسان دارند. می‌توان این آسیب را با توجه به فهم عرف چنین تعریف کرد: وضعیت حاصل از تکه‌تکه شدن استخوان، در صورتی که تکه‌ها به هم نزدیک و به نسبت ریز شده باشند - چه این وضعیت در کل استخوان به وجود آمده باشد چه در بخشی از آن.

درباره خردشدگی ستون فقرات، توجه به این نکته ضروری است که خردشدگی طبق این تعاریف، از دو حالت خفیف‌تر و شدیدتر تشکیل شده و ممکن است فقط روی یک مهره و یا چند مهره صورت بگیرد.



در صورتی که شکستگی‌ها به صورت پایدار باشد و استخوان از جای خود جابه‌جا نشود و شکل و مکان خود را حفظ کرده باشد، می‌توان امید به بهبود داشت؛ اما در صورتی که شکستگی مهره‌های کمر شدید باشد، می‌تواند بر نخاع و رشته‌های عصبی در امتداد ستون فقرات تأثیر گذاشته، باعث ایجاد فشار و پارگی نخاع گردد. (باغبان، ۱۳۹۸، شکستگی مهره‌های کمر و بررسی انواع آن، سایت دکتر فهیم باغبان)

۲. صدع (ترک خوردگی)

ترک خوردگی اصطلاحی است که در قانون مجازات اسلامی، حکم خاصی از دیه برای آن مطرح شده است. «صدع» در لغت به «شق» معنا شده است. شق نوعاً به شکافته شدن معنا می‌شود. شکافته شدن نهر (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۹۱)، شکافته شدن شیء صلب (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۲۴) و مطلق شکافتن (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۲۴۱)؛ ولی در

این که صدع چه نوع شکافتنی است اختلاف وجود دارد: ۱. شق؛ ۲. دونیم مساوی شدن؛ ۳. شکافتن بدون افتراق (واسطی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۲۶۵). در کتاب تاج العروس، دیدگاه سوم و اول عیناً به یک معنا دانسته شده؛ در نتیجه این سه، به دو دیدگاه تفسیر شده است (واسطی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۲۶۵). باید دید صدع به معنای شق است یا شق؛ اولی به معنای ترک خوردگی و دیگری به معنای دونیم شدن است که بیشتر در مورد دونیم شدن حیوان ذبح شده به کار می‌رود (فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۳۱۹). صدع در کتاب العین، به معنای شق دانسته شده است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۷). از برخی کتب چنین استفاده می‌شود که صدع به معنای شق است (واسطی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۲۶۵)؛ در این صورت می‌توان ادعا کرد که صدع با شق و صدع با شق قرابت معنایی دارد. اصطلاح فقهی ترک خوردگی، صدع و انصداع است. مرحوم حکیم در این باره می‌نویسد:

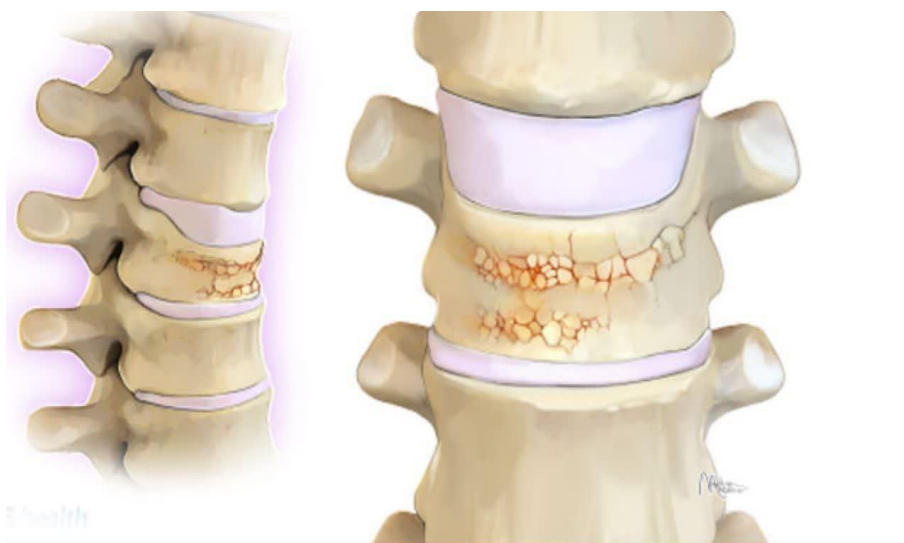
«صدع العظم عبارة عن شقه من دون أن ینفصل»؛ «صدع استخوان عبارت است از شکستن استخوان بدون جدا شدن». (حکیم، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۳۰۶)

در فقه برای ترک خوردگی برخی از استخوان‌ها دیه تعیین شده؛ مانند ترک خوردگی ترقوه که دیه آن ۳۲ دینار است (حکیم، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۳۰۶). در روایات نیز اصطلاح به کار رفته برای ترک خوردگی صدع است و در روایات مختلفی برای این آسیب، دیه تعیین شده است. برای نمونه، صدع صورت که دیه آن هشتاد دینار (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۳۲)، صدع در شانه چهار پنجم دیه شکستن آن (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۳۴) و همچنین است ترک در استخوان ران (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۳۹). فقها یک قاعده کلی برای تعیین دیه ترک خوردگی از روایات استخراج کرده‌اند که از آن بعضاً با عنوان "قاعده ترک خوردگی" یاد می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۴، ص ۱۴۲)

۳. ستون فقرات و شکستگی آن در قانون موضوعه

ستون فقرات شامل ۳۳ استخوان مجزا (مهره‌ها) و تعداد زیادی دیسک، رباط و ماهیچه است. شکستگی در ستون فقرات می‌تواند در بدنه مهره‌ها (body) یا در یکی از قسمت‌های برآمده مهره‌ها (processes) رخ دهد (عبدالحسین پور، ۱۳۹۶، انواع شکستگی مهره‌های ستون

فقرات، سایت دکتر حسام عبدالحسین پور). تروما یا شوک ناگهانی در اثر ضربه یا آسیب شدید نیز باعث شکستگی مهره‌های کمر می‌گردد. معمولاً این نوع آسیب‌دیدگی باعث شکستگی بسیار شدید استخوان شده، در بیشتر موارد خردشدگی را در پی خواهد داشت. (باغبان، ۱۳۹۸، شکستگی مهره‌های کمر، سایت دکتر فهیم باغبان)



در قانون عنوان ستون فقرات بدون هیچ نوع تعریفی ذکر شده و در ماده تبصره ۶۴۷ به حکم شکستگی آن اشاره گردیده است.

۴. تحلیل حقوقی

قانون مجازات اسلامی، دیه شکستگی بعضی از استخوان‌ها را به‌طور خاص در مواد مختلف ذکر کرده است. دیه شکستگی گردن، شکستگی ستون فقرات و شکستگی استخوان دنبالچه، به ترتیب در مواد ۶۵۱، ۶۴۷ و ۶۲۱ ق.م.ا، در صورت بهبود نیافتن معادل دیه کامل دانسته شده که در این قسمت ذکر می‌گردد. ماده ۶۴۷ به‌صورت مبسوط، شکستگی ستون فقرات را بیان کرده است:

«دیه شکستن ستون فقرات به ترتیب ذیل است:

الف) شکستن ستون فقرات در صورتی که اصلاً درمان نشود و یا بعد از علاج به صورت خمیده درآید، موجب دیه کامل است.

ب) شکستن ستون فقرات که بی‌عیب درمان شود ولی موجب از بین رفتن یکی از منافع گردد، مانند این که مجنی علیه توان راه رفتن یا نشستن نداشته باشد و یا توان جنسی یا کنترل ادرار وی از بین برود، موجب دیه کامل است.

پ) شکستن ستون فقرات که درمان نشود و موجب عوارضی از قبیل موارد مندرج در بند (ب) شود، علاوه بر دیه کامل شکستگی ستون فقرات، موجب دیه یا ارش هر یک از عوارض حاصله نیز است.

ت) شکستن ستون فقرات که بدون عیب درمان شود، موجب یک‌دهم دیه کامل است.
ث) شکستن ستون فقرات که موجب فلج و بی‌حس شدن پاها گردد، علاوه بر دیه ستون فقرات، موجب دوسوم دیه برای فلج دو پا نیز است.

تبصره ۱- مراد از شکستن ستون فقرات، شکستن یک یا چند مهره از مهره‌های ستون فقرات به جز مهره‌های گردن و استخوان دنبالچه می‌باشد.

تبصره ۲- جنایتی که سبب خمیدگی پشت شود، بدون آن که موجب شکستن ستون فقرات گردد، در صورتی که خمیدگی درمان نشود، موجب دیه کامل و در صورتی که بدون عیب درمان شود، دیه آن یک‌دهم دیه کامل است.

از طرف دیگر، ماده ۵۶۹ به صورت کلی درباره دیه شکستگی و خردشدگی استخوان بر اساس عضوی که آن را در برمی‌گیرد، چنین مقرر می‌دارد:

«دیه شکستن، ترک برداشتن و خرد شدن استخوان هر عضو دارای دیه مقدر به شرح ذیل است:

الف) دیه شکستن استخوان هر عضو یک‌پنجم دیه آن عضو و اگر بدون عیب درمان شود، چهارپنجم دیه شکستن آن است.

ب) دیه خرد شدن استخوان هر عضو، یک‌سوم دیه آن عضو و اگر بدون عیب درمان شود، چهارپنجم دیه خرد شدن آن استخوان است. پ) دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو، چهارپنجم دیه شکستن آن عضو است.

ت) دیه جراحی که به استخوان نفوذ کند بدون آن که موجب شکستگی آن گردد و نیز دیه موضعه آن، یک‌چهارم دیه شکستگی آن عضو است».

همان‌گونه که پیداست، در ماده فوق میان شکستگی و خردشدگی تفصیل داده شده است. طبق ظاهر این ماده، قانون‌گذار ضابطه کلی بر موارد شکستگی و خردشدگی بیان داشته و حاکم بر مواد دیگر است. بر این اساس باید موارد شکستگی و خردشدگی در کل قانون متفاوت دیده شود؛ بنابراین ماده ۶۴۷ که به شکستگی ستون فقرات اختصاص دارد و تفصیلی بین شکستگی و خردشدگی در آن داده نشده، باید به شکستگی اختصاص یابد. در نتیجه ماده ۶۴۷ فقط به شکستگی ستون فقرات اشاره دارد و خردشدگی و ترک خوردگی ستون فقرات مسکوت است و برای دیه آن باید به ضابطه کلی ماده ۵۶۹ رجوع گردد. ولی این استدلال با اشکالاتی مواجه است:

اولاً با توجه به این که استخوان ستون فقرات خود به تنهایی یک عضو است، مشمول ماده ۵۶۹ نخواهد بود؛ زیرا ماده ۵۶۹ مربوط به استخوان عضو دارای دیه مقدر است؛ یعنی شامل اعضای است که استخوان را دربرمی‌گیرد و دارای دیه مقدر نیز هست.

ثانیاً در این صورت دیه خردشدگی کم‌تر از دیه شکستگی استخوان خواهد بود؛ چرا که برای شکستگی ستون فقرات دیه کامل در نظر گرفته شده؛ در حالی که در خردشدگی، دیه بسیار کم‌تری مقرر گردیده است؛ بنابراین به اقتضای تناسب حکم و موضوع، استناد دیه خردشدگی ستون فقرات به ماده ۵۶۹ با مانع همراه است.

با وجود تفصیل شکستگی، خردشدگی و ترک خوردگی در قانون و عدم امکان رجوع به ماده ۵۶۹ باید دید برای خردشدگی ستون فقرات چه راه کار قانونی می‌توان عرضه کرد. ظاهراً از دو حال خارج نیست: یا باید اطلاق شکستگی ماده ۶۴۷ قانون مجازات بر مطلق شکستگی حمل گردد که چون در قانون مجازات، شکستگی در مقابل خردشدگی و ترک خوردگی دارای اصطلاح خاص معرفی شده، بعید است و یا این مسأله از موارد نقص قانون تلقی گردد؛ بنابراین بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی، به فقه مراجعه شود که با توجه به این که در فقه این موضوع از شهرت و اتقان کافی برخوردار نیست نیازمند بررسی دقیق استدلالی است.

۵. خردشدگی

برای بررسی فقهی مسأله، ابتدا آرا و دیدگاه‌های موجود فقها آورده می‌شود و سپس به ادله آن‌ها اشاره و سپس نقد و بررسی می‌گردد.

بعضی از مراجع مانند حضرت آیت‌الله علوی گرگانی درباره خردشدگی ستون فقرات، قائل به تعلق ارش و احتیاط بر مصالحه به مازاد بر یک‌سوم دیه کامل هستند (علوی گرگانی، ۱۴۰۰، استفتاء شماره ۱۶۸۲۷) و بعضی از مراجع مانند حضرات عظام مکارم شیرازی و سبحانی، در صورت عدم درمان، قائل به دیه کامل هستند (سبحانی، ۱۴۰۰، استفتاء شماره ۱۳۷۸۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۰۰، استفتاء شماره ۶۶۰۹۲۱) که به نظر می‌رسد این دو بزرگوار، تفاوتی بین خردشدگی و شکستگی ستون فقرات قائل نشده‌اند. برخی نیز مانند مرحوم صافی گلپایگانی، در کوبیده شدن هر استخوانی یک‌سوم دیه آن عضو و اگر خوب و معالجه شود چهارپنجم دیه آن قائلند (صافی گلپایگانی، ۱۴۰۰، استفتاء شماره ۸۴۲). این استفتا دارای ابهام است؛ زیرا سؤال استفتا در مورد خرد شدن بوده و پاسخ با عنوان کوبیده شدن مطرح شده و مشخص نیست با عنایت به تفاوت کوبیده شدن و خرد شدن چنین پاسخی داده شده یا عنایتی به این وجه وجود نداشته است.

به صورت کلی سه وجه در مسأله قابل طرح است:

۵-۱ دیدگاه یک‌سوم دیه عضو

این دیدگاه، ناشی از قاعده خردشدگی است که فقها آن را مطرح کرده‌اند. این دیدگاه در ذیل بررسی می‌شود.

قاعده کلی خردشدگی استخوان در آثار فقها، تقریباً به صورت یکسان و شبیه به هم آمده است؛ از جمله شیخ طوسی در کتاب فتوایی النهایه نوشته:

«العضم اذا رض، كان فيه ثلث ديه العضو الذي هو فيه فان صلح على غير عيب، فديته اربعة اخماس ديه رضه»؛ «دیه استخوان هنگامی که کوبیده شود، یک‌سوم دیه عضوی است که آن استخوان در آن عضو قرار دارد؛ پس اگر استخوان کوبیده شده به‌طور کامل ترمیم شود دیه آن چهارپنجم دیه کوبیدگی است». (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۷۷۷)

بر اساس این قاعده، هرگاه استخوان عضوی که دارای دیه مقدر است کوبیده شود، در صورتی که کوبیدگی درمان نشود و یا به صورت ناقص درمان گردد، یک سوم دیه آن عضو ثابت خواهد بود و اگر کوبیدگی به طور کامل درمان شود، چهارپنجم از دیه عدم بهبود کوبیدگی ثابت است.

ظاهراً شیخ مفید، نخستین فقیهی است که به قاعده مزبور توجه کرده است. ایشان در کتاب فقهی *المقنعه* می‌نویسد:

«وفي رضه ثلث ديه عضو فان صلح على غير عيب فديته اربعة اخماس رضه»؛ «و در کوبیدگی استخوان یک سوم دیه آن عضو است و اگر کوبیدگی کاملاً و بدون عیب بهبود یابد، دیه استخوان آن چهارپنجم دیه کوبیدگی خواهد بود». (مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۶۷)

پس از ایشان، تقریباً بیشتر فقها مفاد قاعده مزبور را پذیرفته و به مضمون آن فتوا داده‌اند (فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۷۰۰؛ شهید اول، ۱۴۱۰، ص ۲۸۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۶۸۱). برخی مانند مرحوم صافی گلپایگانی درباره خردشدگی ستون فقرات، آن را در ذیل قاعده کوبیدگی استخوان دانسته، در کوبیده شدن هر استخوانی، یک سوم دیه آن عضو و اگر خوب معالجه شود چهارپنجم دیه آن را قائلند. (صافی گلپایگانی، ۱۴۰۰، استفتاء شماره ۸۴۲)

۵-۲- دیدگاه برابر با شکستگی

قاعده دیه شکستگی، بر اساس آنچه فقها از روایات استنباط کرده‌اند چنین است:

«وفي كسر عظم من عضو خمس ديه ذلك العضو واذا كسر العظم فجبر على غير عثم ولا عيب كان ديته اربعة اخماس كسره»؛ «در شکستگی استخوان هر عضوی یک پنجم دیه آن و اگر استخوان بشکند و سپس بدون عیب و ایرادی بهبود یابد، دیه جنایت در این صورت چهارپنجم دیه شکستگی است». (مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۶۶؛ حلی، ۱۴۰۳، ص ۳۹۹؛ طوسی، ۱۴۰۰، ص ۷۷۶)

برخی از مراجع مانند حضرات عظام مکارم شیرازی و سبحانی، در صورت عدم درمان قائل به دیه کامل هستند و از دید آن‌ها، خردشدگی ستون فقرات اگر پس از معالجه بهبود کامل یابد، دیه آن صد دینار است و فرقی بین شکستگی و خردشدگی ستون فقرات قائل

بررسی فقهی و حقوقی حکم خردشدگی و ترک خوردگی ستون فقرات | ۱۷۳

نشده‌اند (بخش استفتانات دفتر آیت‌الله سبحانی، ۱۴۰۰، شماره ۱۳۷۸۸؛ بخش استفتانات آیت‌الله مکارم شیرازی، ۱۴۰۰، شماره ۶۶۰۹۲۱)

با توجه به این که با بررسی کتب روایی، به احادیثی که آشکارا به دیه این نوع از شکستگی پیردازد دست نیافتیم و فقط به‌عنوان کلی شکستگی ستون فقرات که چند روایت بدان پرداخته، اشاره می‌شود:

دلیل اول: اطلاق روایات

امام صادق (ع) فرمود:

«امیرالمؤمنین علی (ع) در ستون فقرات به دیه کامل حکم کرد.»

متن این روایت در *من لا یحضره الفقیه* به این صورت آمده است:

«امیرالمؤمنین علی (ع) در مورد ستون فقرات اگر شکسته شود، به دیه کامل حکم

کرد.» (طوسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰، ص ۲۶۰)

امام باقر (ع) فرمودند:

«امیرالمؤمنین علی (ع) درباره مردی که ستون فقراتش شکسته شده بود و نمی‌توانست بنشیند

حکم داد که در آن دیه کامل است.» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۲۳۲)

امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود:

«اگر ستون فقرات شکسته شود و بدون کجی و عیب جا بیفتد، دیه‌اش صد دینار است

و اگر کج جا بیفتد، دیه‌اش هزار دینار است.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۳۸)

از آنجایی که خردشدگی، عرفاً نوعی از شکستگی است و نص جداگانه‌ای به این نوع از

شکستگی ستون فقرات در متون روایی و فقهی وجود ندارد، لذا در تحت اطلاق باقی می‌ماند.

دلیل دوم: اصل عدم

تردیدی به صدق شکستگی بر خردشدگی در عرف وجود ندارد؛ اما به این که آیا خردشدگی دیه

مازادی نسبت به شکستگی دارد یا خیر تردید وجود دارد؛ بنابراین در بیش از مازاد بر دیه شکستگی

شک وجود دارد و موضوع اصل عملی است. اصل عدم دیه مازاد، حاکم بر این مسأله است.

۵-۳- دیدگاه تعیین ارش

با توجه به این که در نصوص، عنوان رض با شکستگی متفاوت بیان شده است، بنابراین خردشدگی ستون فقرات باید کاملاً متفاوت از شکستگی آن در نظر گرفته شود؛ لذا بر اساس قاعده «لا یبطل حق المسلم» (عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۹، ص ۸۹) و طبق قاعده «کل جنایه لا مقدرها فیهها الارش» (علامه حلی، ۱۴۲۰-۱۴۲۲، ق، ص ۶۲۲)، از آنجایی که دیه این نوع آسیب دیدگی معین نشده است، ارش معین می‌گردد. بر اساس روایات و تألیفات فقها، ارش مال پرداختی برای جبران خسارت مالی یا بدنی می‌باشد که در شریعت برای آن اندازه‌ای مشخص نشده است. ارش و حکومت به معنای واحدی است و بر اساس قاعده مورد قبول همه فقیهان، برای هر جنایتی که در شرع برای آن دیه تعیین نشده، ارش ثابت است:

- «و ما لا تقدر فیه، فیه حکومه و الارش» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۱۶۸)؛

- «کل ما لا تقدر فیه، فیه الارش المسمی بالحکومه». (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۱۶۸)؛

خویی، ۱۴۱۸-۱۴۲۲، ج ۴۱، ص ۴۳۱)

برخی از فقها، در صدمه کوبیدگی پشت حکومت قائل به ارش هستند (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۲۰، ص ۲۹) و همچنین برخی از آنان به‌طور کلی در میزان دیه کوبیدگی استخوان احتیاط را بر ارش و مصالحه می‌دانند (خویی، ۱۴۱۰، ص ۱۱۶)؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۵۷۱). همچنین بعضی از مراجع مانند آیت‌الله علوی گرگانی، درباره خردشدگی ستون فقرات، به تعلق ارش و احتیاط بر مصالحه به مازاد بر یک‌سوم دیه کامل نظر دارند. (علوی گرگانی، ۱۴۰۰، استفتاء شماره ۱۶۸۲۷)

دلیل اول قاعده ارش

فقه اسلامی برای برخی از جراحات و صدمات، دیه خاصی پیش‌بینی می‌کند که دیه مقدر می‌نامند؛ اما مقدار دیه بسیاری از صدمات و جراحات از قبل مشخص نشده؛ لذا قاضی با در نظر گرفتن دیه کامل انسان و مقدار آسیب و صدمه و نظر کارشناسان مربوط، به تعیین میزان خسارت می‌پردازد؛ بنابراین بی‌شک حکم عقل و سیره عقلا و با توجه به قاعده "لا حرج و قاعده لا ضرر" و "قاعده تسبیب" باید میزان خسارت و صدمه معین گردد تا به مقدار آسیب

بررسی فقهی و حقوقی حکم خردشدگی و ترک خوردگی ستون فقرات | ۱۷۵

وارده، جانی متعهد به پرداخت غرامت و خسارت گردد که در اصطلاح فقه، ارش، مقدار مالی است که برای جبران خسارت مالی یا بدنی که در شریعت برای اعضایی که برای آنها دیه مشخص نشده به خسارت دیده پرداخت می‌گردد. درباره خردشدگی ستون فقرات در هیچ‌یک از متون روایی حدیثی که به بیان دیه این نوع از آسیب پردازد، یافت نشد؛ بنابراین خردشدگی ستون فقرات موضوع ارش خواهد بود.

دلیل دوم: اصل عدم تداخل

چون خردشدگی آسیبی بیش از شکستگی ساده به همراه دارد و دلیل قابل اتکایی بر تداخل دیه خردشدگی در شکستگی وجود ندارد، بنا بر اصل عدم تداخل باید دیه خردشدگی به صورت مستقل در نظر گرفته شود.

دلیل سوم: قاعده عدل و انصاف

اقتضای قاعده عدل و انصاف این است که دیه و ارش متناسب با آسیب در نظر گرفته شود و در فرضی که آسیب خردشدگی بیشتر از شکستگی است و از سویی دیه معینی برای آن در شریعت بیان نشده، بنابراین باید ارشی متناسب با چنین آسیبی در نظر گرفته شود.

نقد آرا

ادله ارائه شده برای اثبات هر نظریه در ادامه بررسی می‌گردد.

نقد دیدگاه یک‌سوم دیه عضو

درباره خردشدگی ستون فقرات، این که دیه آن بر اساس قاعده کلی خردشدگی و ماده ۵۶۹ در ذیل دیه خردشدگی استخوان لحاظ شود، از چند منظر دارای اشکال است: اول، به سند روایت اشکال وارد است. این قاعده به صورت نص، در هیچ‌یک از نصوص نیامده و فقها آن را از برخی از فقرات روایت ظریف بیان کرده‌اند که طولانی‌ترین روایت در باب دیه است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۳۰ و ۳۶۳؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۷۵-۹۲؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۲۹۵-۳۰۹). درباره استناد به این روایت، این اشکال پیش می‌آید که روایت فقط به صدمه کوبیدگی شش استخوان از استخوان‌های بدن پرداخته که دو مورد

استخوان مچ پا و روی پا مفاد روایت در تضاد کامل با قاعده دیه کوبیدگی استخوان است و به هیچ‌عنوان امکان توجیه فقرات اصل ظریف در این دو مورد استخوان وجود ندارد. در مورد چهار استخوان دیگر نیز فقرات مزبور با قاعده، انطباق کامل ندارد و به اجمال بخش نخست قاعده (کوبیدگی بهبودنیافته) را آن‌هم با قبول توجیهاتی خلاف ظاهر ثابت می‌نماید و این بهترین دلیل بر عدم اتقان موارد استنادی به‌عنوان مدرک قاعده کوبیدگی است.

دوم، بنا بر پذیرش اصل قاعده نیز تطبیق این قاعده بر خردشدگی ستون فقرات قابل خدشه است؛ زیرا همان‌گونه که در تحلیل حقوقی گذشت، موضوع این قاعده و ماده قانونی اعضای دارای دیه است، درحالی که ستون فقرات خود یک عضو محسوب می‌گردد.

نقد دیدگاه برابری خردشدگی با شکستگی

نقد دلیل اول

این دیدگاه، بر اساس این که در نگاه عرف خردشدگی نوعی از انواع شکستگی است و اطلاق عنوان شکستگی شامل آن می‌گردد، قائل به برابری این نوع شکستگی در ستون فقرات با مطلق شکستگی است. ولی این دو اصطلاح در روایات و قانون، به‌صورت دو عنوان کاملاً مستقل بیان شده و برای آن‌ها دیه مقدر تعیین گردیده است و این احتمال را ایجاد می‌کند که ادله بیان گر دیه مقدر برای شکستگی ستون فقرات، ناظر بر خردشدگی آن نیستند. ممکن است این پاسخ با این اشکال مواجه گردد که عنوان کلی شکستگی بر خردشدگی قابل تطبیق است و در مواردی که خردشدگی دارای دیه مقدر هستند، درواقع تخصیص از عنوان کلی است؛ بنابراین در موارد شبهه باید به همان قاعده کلی شکستگی مراجعه کرد.

پاسخ این است که در صورت پذیرش این نکته نیز نمی‌توان با استناد به چنین استدلالی به برابری با شکستگی قائل شد؛ زیرا موضوع دیه شکستگی، همان‌گونه که قبلاً اشاره شده، در موضوع اعضای دارای دیه مقدر است و ستون فقرات چنین خصوصیتی ندارد.

نقد دلیل دوم

در پاسخ به دلیل جریان اصل عدم دیه مازاد باید گفت: اولاً این استدلال بر فرض شمول دیه

شکستگی بر ستون فقرات بنیان نهاده شده که در مورد خدشه قرار گرفت؛ ثانیاً اصل عدم در فرضی قابل استناد است که دلیل اجتهادی دیگری در مسأله یافت نشود، بنابراین با وجود ادله قابل اتکا برای سایر انظار، نوبت به این دلیل نخواهد رسید.

ترک خوردگی

فقه درباره آسیب ترک خوردگی، به اعضای محدود توجه کرده است. این توجه ناشی از روایاتی است که دیه ترک خوردگی برخی از اعضا را تعیین کرده است. روایات به ترک خوردگی اعضای مانند گونه (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۳۲)، شانه (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۸۳)، باسن (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۸۸)، ساق (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۳۰۳)، کف (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۸۷)، انگشتان (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۸۶) و دنده‌ها (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۸۷) توجه کرده است.

در فقه نیز به دیه ترک برداشتن اعضای اکتفا شده که روایت خاصی در آن‌ها وجود دارد. ستون فقرات در این میان نیست و دیه چنین آسیبی برای آن بیان نشده است. البته یک قاعده کلی که به قاعده ترک برداشتن عضو شناخته می‌شود در کلمات فقها وجود دارد. اولین فقیهی که به این قاعده تصریح کرده، مرحوم ابن حمزه در کتاب وسیله است. او می‌نویسد:

«في صدع العضو أربعة أخماس دية الكسر». (نک. طوسی، ۱۴۰۸، ص ۴۵۳)

پس از وی برخی از فقها، به این قاعده توجه کردند (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۳۸۹؛ حائری، ۱۴۱۸، ج ۱۶، ص ۴۹۰). طبق این قاعده، ترک برداشتن هر عضو چهارپنجم دیه شکستگی آن عضو دیه دارد. برخی از فقها به این قاعده نقد وارد کرده‌اند. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۲۸۴؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۲۴۸؛ خویی، ۱۴۲۲، ج ۴۲ موسوعه، ص ۴۰۰)

قاعده دیه ترک خوردگی که در زبان فقها به صورت کلی بیان شده، برگرفته از روایت ظریف است که در چند عضو دیه ترک خوردگی را چهارپنجم شکستگی آن عضو بیان کرده است؛ مانند ترک برداشتن ترقوه، آرنج، شانه، ساعد، ساق، کف، مفصل، باسن و زانو. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۳۰۵-۳۰۷)

روایت ظریف در موارد دیگری از ترک برداشتن عضو، دیه‌های متفاوتی برای این آسیب بیان کرده است؛ مانند ترک برداشتن مفصل انگشتان سیزده دینار و یک‌سوم دینار (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۳۰۳)، ترک برداشتن دنده‌هایی که در ادامه بازوها قرار گرفته است، هفت دینار (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۳۰۴)، ترک برداشتن دنده‌های محیط قلب، دوازده دینار (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۳۰۴) و ترک برداشتن بند انگشت، سیزده دینار و یک‌سوم دینار. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۳۰۷)

حال با توجه به این که دیه مذکور در قاعده به چند عضو نسبت داده شده و نه به صورت قاعده کلی، دلیلی بر توسعه چنین حکمی نسبت به استخوان‌های سایر اعضا وجود ندارد. همچنین تفاوت بودن دیه ترک خوردگی برخی از اعضا در این روایت، اصطیاد قاعده کلی ترک خوردگی را با ایراد بیشتری مواجه می‌سازد. در نتیجه، چنین قاعده‌ای پذیرفتنی نیست. بر فرض پذیرش چنین قاعده‌ای نیز تسری آن به ستون فقرات که خود یک عضو مستقل محسوب می‌گردد مشکل است. در نتیجه در فرض آسیب ترک برداشتن ستون فقرات نیز همانند خردشدگی آن باید ارزش تعیین گردد.

نتیجه

قانون مجازات اسلامی، اشاره‌ای به خردشدگی و ترک برداشتن ستون فقرات نکرده و فقط در بندهایی به‌عنوان کلی شکستگی، به ستون فقرات و خردشدگی استخوان پرداخته است. به دلیل پرداختن به این نوع از شکستگی در کتاب‌های حدیثی و فقهی، به فتاوا و آراء فقها مراجعه کردیم که با جمع‌بندی به سه نظر دست یافتیم: دیدگاه برابر با شکستگی، دیدگاه خردشدگی استخوان و دیدگاه ارزش.

با توجه به متمایز بودن این نوع شکستگی و عوارض ناشی از آن و نوع آسیبی که از نظر پزشکی کاملاً با عنوان کلی شکستگی استخوانی که عضو را دربرمی‌گیرد متمایز است، لذا با رد ادله در قاعده کلی کوبیدگی و ترک خوردگی استخوان به دلیل و اشکالاتی که در خود قاعده و عدم تناسب حکم و موضوع و دیدگاه برابر با شکستگی به علت تفاوت بودن این نوع صدمه و عوارض ناشی از آن، سبب خروج از اطلاق عموم شکستگی و نداشتن وجاهت

بررسی فقهی و حقوقی حکم خردشدگی و ترک خوردگی ستون فقرات | ۱۷۹

و جایگاهی برای اصل عملی در موضوع موردنظر، دیدگاه تعیین ارش بر اساس روایات و قواعد کلی باب دیات از میان نظرهای موجود قوی تر است. با توجه به نقصان قانون، پیشنهاد می‌گردد که در قانون مجازات اسلامی به‌طور جداگانه و دسته‌بندی کامل، به تعیین دیه و ارش این نوع از شکستگی در ستون فقرات پرداخته شود.

منابع

۱. ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، ج ۱، بیروت: دارالفکر لطباعة و النشر و التوزيع.
۲. بروجردی، حسین (۱۳۸۶ ش)، منابع فقه شیعه، ج ۳۱، تهران: ناشر فرهنگ سبز.
۳. بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳ ق)، المقنعه، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۴. جمشیدی، مجید (۱۳۹۰)، دیه و ارش، چاپ اول، تهران: انتشارات نگاه بینه.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ ق)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، چاپ اول، بیروت: دار العلم للملایین.
۶. حائری طباطبایی، سید علی بن محمد (۱۴۱۸ ق)، ریاض المسائل (ط - الحدیثه)، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۷. حکیم طباطبایی، سید محمد سعید (۱۴۱۵ ق)، منهاج الصالحین، چاپ اول، بیروت: دار الصفوة.
۸. حلبی، ابوصلاح (۱۴۰۳)، کافی فی الفقه، چاپ اول، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین.
۹. خوانساری، سید احمد بن یوسف (۱۴۰۵ ق)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۰. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸-۱۴۲۲)، مبانی تکملة المنهاج چاپ شده در ضمن موسوعه الامام الخوئی، ج ۴۱ و ۴۲، مؤسسه احیاء آثار امام الخوئی.
۱۱. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ ق)، مبانی تکملة المنهاج، ۲ جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.
۱۲. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ ق)، تکملة المنهاج (تک‌جلدی)، قم: نشر مدینه العلم.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۱)، لغت‌نامه دهخدا، ج ۲۰، تهران: چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی.
۱۴. سبحانی، جعفر (۱۴۰۰ ق)، دفتر استفتانات آیت‌الله سبحانی.
۱۵. سبزواری، سید علی الاعلی (۱۴۱۳ ق)، مهذب الاحکام، ج ۲۹، قم: مؤسسه المنار.
۱۶. صاحب بن عباد، کافی الکفاة اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ ق)، المحيط فی اللغة، ۱۰ جلد، بیروت: عالم الكتاب.
۱۷. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۰۰ ق)، دفتر استفتانات آیت‌الله صافی گلپایگانی.
۱۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ ق)، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم.
۲۰. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۰ ق)، النهایه فی مجرد الفقه الفتاوی، بیروت، بی‌نا.

۲۱. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ ق)، تهذیب الأحكام، ۱۰ جلد، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۲. طوسی، محمد بن علی بن حمزه (۱۴۰۸ ق)، الوسيلة إلى نیل الفضيلة، در یک جلد، چاپ اول، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۳. عاملی (شهید اول)، احمد بن مکی (۱۴۱۰ ق)، لمعه دمشقیه (تک جلدی)، چاپ اول، بیروت: دار التراث.
۲۴. عاملی، حر (۱۴۱۶ ق)، وسائل الشیعه، چاپ سوم، قم: موسسه آل البيت.
۲۵. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ ق)، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الشیعه، چاپ اول، قم: موسسه امام صادق.
۲۶. علوی گرگانی، سید محمدعلی (۱۴۰۰ ق)، قم: دفتر استفتانات آیت الله علوی گرگانی.
۲۷. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق)، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، ۱۱ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۸. فخرالمحققین، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، ایضاح الفوائد (۴ جلدی)، چاپ اول، قم: موسسه اسماعیلیان.
۲۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، کتاب العین، ج ۲ و ۳، قم: نشر حجر.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق)، کتاب العین، ۸ جلد، نشر هجرت، قم - ایران، دوم.
۳۱. فیومی، احمد بن محمد مقرئ (بی تا)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، در یک جلد، قم: منشورات دار الرضی.
۳۲. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۴ ق)، مرآت العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ۲۶ جلد، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۰۰ ق)، قم: دفتر استفتانات آیت الله مکارم شیرازی.
۳۵. مهیار، رضا (۱۴۱۰ ق)، فرهنگ ابجدی (ترجمه المنجد ابجدی)، در یک جلد، تهران: انتشارات اسلامی.
۳۶. میر محمدصادقی، حسین (۱۳۹۳)، جرائم علیه اشخاص، ج ۳، حقوق جزا، تهران: نشر میزان.
۳۷. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴)، جواهر الاحکام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۷، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۳۸. واسطی، زبیدی حنفی، محب الدین سید محمد مرتضی (۱۴۱۴ ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، ۲۰ جلد، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع.
۳۹. وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۸ ق)، منهاج الصالحین (۳ جلدی)، قم: مدرسه امام باقر (ع).
۴۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۵)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی.

References

1. Ibn Manzoor, Abul Fazl & Jamal a-ddin, Muhammad bin Mukaram ,(1414 AH), Lisān al-Arab, Vol. 1, Beirut: Dar al-Fikr Printing, Publishing and Distribution House.
2. Boroujerdi, Hossein, (1386 AH), Sources of Shīa Jurisprudence, Vol .31 ,Tehran: Farhang-e Sabz Publication.
3. Baghdadi, Mufid, Muhammad bin Muhammad bin Nu'man Akbari, (1413 AH) ,Al-Maqna', Qom: World Millennium Congress of Sheikh Mufid.
4. Jamshidi, Majid, (1390 AH), Diyyah and Arash, 1st Edition ,Tehran: Negah Bineh Publication.
5. Jowhari, Ismail bin Hammad, (1410 AH), Al-Sahāha- Tāj al-Luqha wa Sahāha al-Arabiyyah, 1st Edition, Beirut: Dar al-Elm Mullān.
6. Hāeri Tabatabai, Seyyed Ali Ibn Muhammad, (1418 AH), Riyādh al-Masāil (Al-Hadīthah), 1st Edition, Qom: Al al-Beit Institute.
7. Hakim Tabatabai, Seyyed Muhammad Saeed, (1415 AH), Minhāj al-Sālihīn¹ ,st Edition, Beirut: Dar al-Safwah.
8. Halabi, Abu Salāh, (1403 AH), Kāfi Fi al-Fiqh, 1st Edition ,Isfāhān: Imām Amir al-Mominīn Public Library.
9. Khansari, Seyyed Ahmad bin Youssef, (1405 AH), Jāmi al-Madārik fi Sharh Mukhtasar al-Nāfi', Qom: Ismailian Publishing House.
10. Khūeī, Seyyed Abul-Qassim, (1418-1422 AH), The Basics of Takmalah al-Manhāj, Published in the Mowsū'ah al-Imām Al-Khūeī, Vol. 41 & 42 ,Institute for the Revival of Imām Al-Khūeī Works.
11. Khūeī, Seyyed Abul-Qassim, (1422 AH), The Basics of Takmalah al-Manhāj, Published in the Mowsū'ah al-Imām Al-Khūeī, Vol. 2., Chapter One ,Institute for the Revival of Imām Al-Khūeī Works.
12. Khūeī, Seyyed Abul-Qassim, (1410 AH), The Basics of Takmalah al-Manhāj, Qom: Madīna Al-Elm Publishing House.
13. Dehkhoda, Ali Akbar, (1361 AH), Dictionary of Dehkhoda, Vol. 20 ,Tehran: Printing house of Ministry of Islamic Guidance.
14. Sobhani, Jafar, (1400 AH), Qom: Ayatollah Sobhani's office of Islamic inquiries.
15. Sabzevari, Seyyed Ali al-Ali, (1413 AH), Mahzab al-Ahkām, Vol. 29 ,Qom: Al-Minār Institute.
16. Sahib bin Ibad, Kafi al-Kafah Ismail bin Ibad, (1414 AH), Al-Muhīt fi al-Luqah, Vol. 10, Beirut: Ālim al-Kitāb Publication.
17. Sāfi Golpayegani, Lotfollah, (1400 AH), Qom: Ayatollah Safi Golpayegani's office of Islamic inquiries.
18. Saduq, Muhammad bin Ali bin Babuyeh, (1413 AH), Man La Yahdrah al-Faqih, 4 volumes, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Society of Teachers.

19. Sadouq, Muhammad bin Ali bin Baboyeh (1413 AH), Man La Yahdharah al-Faqih, Vol. 4, Qom, Islamic Publication Office affiliated with the Qom Society of Seminary Teachers.
20. Tūsi, Abu Ja'afar Muhammad bin Hassan, (1400 AH), Al-Nahāyyah fi Mojard al-Fiqh al-Fatāwī, Beirut.
21. Tūsi, Abu Jaafar Muhammad bin Hassan, (1407 AH), Tahzīb al-Ahkām, Vol. 4, 104th Edition, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
22. Tūsi, Muhammad bin Ali bin Hamzah, (1408 AH), Al-Wasilah elā Niel al-Fadhilah, 1st Edition, Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library Publication.
23. Ameli, Shahīd awal Ahmad bin Makki, (1410 AH), Lom'a al-Damishqhiyyah (single volume), 1st Edition, Beirut: Dar al-Tarāth.
24. Ameli, Hur, (1416 AH), Wasāl al-Shī'ah, 3rd Edition, Qom :Al al-Beit Institute.
25. Allameh Helli, Hassan bin Yusuf, (1420 AH), Tahrīr al-Ahkām al-Sharīa Alā Mazhab al-Shīa, 1st Edition, Qom: Imām Sādiq Institute.
26. Alavi Gorgani, Seyyed Mohammad Ali, (1400 AH), Qom: Ayatollah Alavi Gorgani's office of Islamic inquiries.
27. Fādhil Hindī, Muhammad bin Hassan, (1416 AH), Kashf al-Lithām wa al-Ibhām an Qawāid al-Ahkām, Vol. 11, Qom: Islamic Publication Office.
28. Fakhr al-Muhaqqiqhīn, Muhammad bin Hassan, (1387 AH), Idhāh al-Fawāid ,(4 Volumes), 1st Edition, Qom: Ismailian Publication Institute.
29. Farāhīdī, Khalil bin Ahmad, (1410 AH), Kitāb al-Ain, Vols. 2 ,۳ & Qom: Hijrat Publishing House.
30. Farāhīdī, Khalil bin Ahmad, (1410 AH), Kitāb al-Ain, Vol. 8, Qom :Hijrat Publishing House.
31. Fayoumi, Ahmad bin Muhammad Moqhri, (????), al-Misbāh al-Munīr fi Gharīb al-Sharh al-Kabīr lil-Rāfi'ī, Qom: Dar al-Radhī Publication.
32. Kuleini, Abu Jaafar Muhammad bin Yaqoob, (1407 AH), Al-Kāfi, 8 Volumes , Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
33. Majlisī, Muhammad Bāqir bin Muhammad Taqi, (1404 AH), Merāt al-Uqhūl fi Sharh Akhbār al-Rasūl, 26 Volumes, 2nd Edition, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
34. Makārim Shirazi, Nasser, (1400 AH), Qom: Ayatollah Makarem Shirazi's office of Islamic inquiries.
35. Mahyār, Reza, (1410 AH), Farhang-e Abjadi (A Translation of Al-Manjad Abjadi), Tehran: Islamic Publication Center.
36. Mir Mohammad Sadeghi, Hossein, (2013), Crimes against Individuals, 3rd Edition, Criminal Law, Tehran: Mīzān Publishing House.
37. Najafī, Muhammad Hassan, (1404 AH), Jawāhir al-Ahkām fi Sharh Sharīah al-Islam, 7th Edition, Beirut: Center for the Revival of Arabic Tradition.
38. Wāsītī Zubaidi Hanafi, Mohib a-ddin Seyyed Muhammad Mortaza, (1414 AH), Tāj al-Arūs Min Jawāhir Al-Qamūs, 20 Volumes, Beirut: Dar al-Fikr Printing, Publishing and Distribution House.

39. Vahid Khorasani, Hossein, (1428 AH), Minhāj al-Sālihīn, 3 Volumes ,Qom: Imam Baqir (AS) School.
40. Hashemi Shahroudi, Seyyed Mahmood, (1385 AH), Fiqh Culture According to the Religion of Ahl al-Beit (AS), Qom: Islamic Jurisprudence Encyclopedia Institute.